

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

عنوان:

بررسی ظرایف معنایی و روانشناسی داستان گنبد سفید هفت پیکر بر اساس نظریه گوستاو فریتاگ

نویسنده: آرزو لاریجانی

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن ایمیل: r_larijani89@yahoo.com

چکیده:

داستان گنبد سفید در هفت پیکر نظامی از جمله داستان های نمادین و نوآیینی است که در آن می توان به رمزی نو و شگرف در زمینه ظرافت معنایی و روانشناسی دست یافت. هفت پیکر، درباره سفر بهرام گور به تاریکی های درون و جستجوی آب حیات در تاریکی ظلمات است. این سفر با گنبد سیاه آغاز می شود و پس از عبور قهرمان از گنبدهای پنج گانه، به گنبد سفید منتهی می شود؛ هفت گنبد برابر با هفت اختر و هفت رنگ است که در آن هفت شاهزاده بانو که از هفت سرزمین جهان هستند، لباسی به رنگ هفت گنبد می پوشند و شباهنگام برای قهرمان داستان می گویند. در واقع این قصه ها، ترسیم خواب های هفت گانه وی است و همگی قابل تأویل و تفسیر هستند. الگوی فرایتاگ اساساً یک ساختار نمایشی است که در یک رمان، آفیلیم یا دیگر آثار داستانی به آشکارسازی رویدادها به ترتیب زمان و روش وقوع داستان از جنبه های متفاوت می پردازد. این الگوی هرمی پیشنهادی برای تحلیل ساختار روایی داستان های مورد بحث است.

در مقاله حاضر، شکل قصه هفتم منظومه هفت پیکری یعنی گنبد سفیدو ظرافت معنایی و روانشناسی آن بررسی شده است. سپس با دو رویکرد ذکر شده بر اساس نظریه گوستاو فریتاگ به تشریح متن پرداخته شده است و سازه های اسطوره ای و آیینی متن بر اساس ریشه شناسی قصه، عناصر و سازه های نمادین متن بر اساس معنایی و روانشناسی منطبق با الگوهای گوستاو مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نگارنده بر آن است تا با ارائه بررسی معنایی و نقد روانشناسی بر اساس نظریه گوستا، مظاهر ناخودآگاه فردی شاعر و کهن الگوهای ناخودآگاه جمعی موجود در متن را از لایه های فرآواقی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian Language and Literature
آن استخراج نماید تا علاوه بر روش پیام و رویکردهای پژوهشی راهی جهت نقد و بررسی های

روانشناختی فراهم گردد.

کلیدواژه ها: ظرافت معنایی، روانشناسی، هفت پیکر، گنبد سفید، گوستاو فریتاگ.

۱- مقدمه

نظامی در هفت پیکر بهرام را از قالب پادشاهی تاریخی بیرون می آورد و به او نقشی نمادین می دهد. بهرام در این داستان انسانی جستجوگر است که برای پیدا کردن حقیقت درونی خویش است و برای رسیدن به آن تلاش می کند. (حسینی، ۱۳۹۱). او در این مسیر استعداد های درونی خود را می شناسد و در پایان با جهان حقیقت خود یگانه می شود. سفر بهرام از دیدن اتاقی با تصاویر هفت دختر زیبا شروع می شود، این اتاق در حکم میوه ممنوعه برای بهرام است یا همان ضمیر ناخود آگاه او که از تجربه ها و آرزوهای سرکوب شده یک انسان انباشته شده است..

سفر از من به خود، فرآیندی دایره وار است که یونگ آن را انسجام روان شناختی می داند (کوپ، ۱۳۸۴). بهرام در هفت گنبد به صورت تمثیلی برای کشف خود سفری را شروع می کند که در این حرکت، عوامل آگاه و نا آگاه در رشد و تعالی او به طور یکسان عمل می کنند و او را به کمال روحی و روانی سوق می دهند. او سفر خود را از گنبدهایی که نمادی از درون خودش هستند دنبال می کند در فصل زمستان از گنبد سیاه سفر او شروع می شود و در روز اول بهار در گنبد هفتم که به رنگ سفید است کمال او به انجام می رسد. (شکویی ممتاز، ۳۲۳).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and

هر گنبد نمادی از درون بهرام است و نور قالب قهرمانان داستان بهر آینه های ژرف روان خویش

سفر کرده و در آینه درون خود می نگرد و نیروهای قلمرو ناخود آگاه خود را به بخش خود آگاه روان سوق می دهد. به عبارتی مهم ترین پیام هفت پیکر، سفر در دنیای درون و شناختن من واقعی و آوردن آن به دنیای حقیقی است.

روانشناسی و ظرافت معنایی در داستان ها همواره در اندیشه بشر وجود داشته است و او را تحت تاثیر خود قرار داده است. تا قبل از قرن نوزدهم تعداد محدودی از داستان ها از جنبه روانشناسی و بررسی معنایی شناخته شده بود، لذا به دلیل کمیابی، انسان های متمول در مشاهده داستان ها و نمایش های خلاقانه روانشناسی حق تقدم داشتند، لیکن حدود یک قرن قبل وضعیت تغییر کرد. ابتدا با ترکیب هنر داستان نویسی و ظرافت شاعرانه در معنی و بعدها با در نظر داشتن جنبه روانشناختی، نمایش ها فراوان شد. زندگی بشر از ابتدا بر پایه عواملی از قبیل شب و روز، تاریکی و روشنایی، سیاهی و سپیدی وضع شده است که همه خارج از کنترل و فراتر از اراده وی بودند. روز فرد را به فعالیت و می داشت، بنابراین برای یافتن وسایل معیشت و زندگی به تکاپومی افتاد و به دنبال خواسته های خود می رفت و شب هنگام که بشر فعالیت خود را متوقف می کرد و به غار سکوت خود روی می آورد، نوعی سکون و آرامش همراه با دلهره را در پی داشته است. رنگ های مربوط به این دو محیط عبارتند از: آبی تیره که رنگ آرامش و سکون است و رنگ زرد روشن که رنگ امید و فعالیت می باشد. چون این رنگ ها محیط های شب و روز را نشان می دهد، بنابراین عواملی هستند که بشر را کنترل می کنند، لذا به عنوان رنگ های غیر مستقل معرفی می شوند که پدیده های طبیعت آنها را تنظیم می کند. رنگ ها در هفت پیکر نظامی از جنبه معنایی و روانشناسی کاربردهای متفاوتی دارند. از جمله رنگ های مورد استفاده در این منظومه رنگ سفید در گنبد سفید است. این رنگ، از جمله رنگ هایی است که محبوبیت خاصی نزد انسان دارد (دوپوکور، ۱۳۹۴) سفید در روانشناسی رنگ ها، نماد معصومیت و پاکی است و معمولاً نشانگر سرما، پاکیزگی و آرامش است. همچنین این رنگ انرژی بخش و خستگی زداست. در اصطلاح نجوم رنگ سفید متعلق به زهره است و در عقیده بعضی دیگر از منجمان متعلق به ماه است. رنگ سفید در هفت پیکر بسامد بالایی دارد و بیش از چهل بار مورد استفاده

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and

Research in Persian Language and Literature

نظامی قرار گرفته است و در روز چهارم، پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۹۶ در این روز با جامه های

سپید به دیدار محبوبش، دختر پادشاه اقلیم هفتم می رود:

روز آدینه که این مقرنس بید خانه را کرد از آفتاب سپید
شاه با زیور سپید به ناز شد سوی گنبد سپید فراز
زهره بر برج پنجم اقلیمش پنج نوبت زنان به تسلیمش

نظامی از سفید به عنوان رنگی پاک یاد می کند که بر خلاف بقیه رنگ ها آلوده نشده است و همچون رنگ های دیگر از مخلوط شدن با رنگ های دیگر به دست نیامده است، رنگی مستقل است اما با ترکیب شدن در رنگ های دیگر عامل پدید آوردن رنگ های متفاوت می گردد. همچنین شاعر این رنگ را مقدس می داند و می گوید که سفید، رنگی سفارش شده از بزرگان به خصوص پیامبر اکرم برای عبادت است. همچنین سپید، رنگی است بسیار امیدوارکننده و آرامش بخش که برخی اقوام حتی در مواقع عزاداری نیز به این رنگ ملبس می گردند،

از نظر روان شناختی، باغ نمادی از ناخود آگاه انسان است و دیوارهای باغ نیز نیروهای درونی را حفظ می کنند (شوالیه و گریران، ج ۳: ۴۹). گردش او به دور باغ و یافتن روزنه، نمادی از جستجوی انسان برای یافتن جوهره ی وجود خویش و شناخت روح است.

گرد بر گرد باغ برگردید در همه باغ هیچ راه ندید

بر در خویش چو بار نیافت رکن دیوار خویشتن بشکافت (نظامی، ۲۹۶: ۱۳۸۶)

۲- هفت سرزمین و نمادهای آن در هفت پیکر

ایرانیان و رومیان علاوه بر تقسیم جهان به هفت اقلیم، هر کشور را به یکی از سیارات هفتگانه نسبت داده اند. اقلیم اول، کیوان یا زحل است. اقلیم دوم به قول ایرانیان مشتری و به قول رومیان آفتاب است. اقلیم سوم به قول ایرانیان مریخ و به قول رومیان عطارد است. اقلیم چهارم به رأی ایرانیان و به قول رومیان

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian Language and Literature

مشرتی است. اقلیم پنجم به نام رومیان در روم باستان (اقلیم ششم به نام ایرانیان تیر و به نام رومیان قمر است و اقلیم هفتم نیز به نام ایرانیان قمر و به نام رومیان مریخ است (آپولیوس، ۱۳۹۸)

نظامی بنا بر ساختار داستان خود از این اقلیم ها بهره برده است و ایام هفته را بر مبنای رنگ به هر یک از اقلیم ها نسبت داده است و داستان های نمادین خود را بر مبنای ویژگی های آن خلق کرده است. روز شنبه به ستاره کیوان اختصاص دارد رنگ آن سیاه است و نمادی از افسردگی و خیال انگیز بودن و سحر آمیزی دارد. اقلیم دوم از آن خورشید است به رنگ زرد که نمادی از صداقت و بلند همتی و اندیشمندی است. اقلیم سوم از آن ماه است رنگ سبز دارد و نمادی از حیات دوباره و آسودگی و بهشت و عشق پاک است. اقلیم چهارم بهرام است رنگ سرخ آن نمادی از نحسی کوچک و دعوت به مبارزه و جهل است. اقلیم پنجم از آن تیر است. که به رنگ آبی فیروزه ای نمادی از آرامش و شادی و هدایت است. اقلیم ششم را برجیس دارد به رنگ صندل (قرمز کم رنگ و تیره به رنگ خاک) که نمادی از جاودانگی و سعد اکبر است. اقلیم هفتم یا همان گنبد هفتم از آن ناهید است. رنگ سفید دارد و گویا نظامی می خواهد با الهام از این رنگ روان بهرام را با ناهید به کمال برساند (بری، ۱۳۸۵) و به دلیل درخشانی ستاره زهره و سمبل عشق و دوستی بودن، آن را نمادی از عشق و دلدادگی است. رابطه زهره با آب در اسطوره های ایرانی، آن را نمادی از غسل تعمید و شروع یک زندگی پاک قرار می دهد (بیدمشکی، ۱۳۹۱)

۳- اقلیم هفتم گنبد سفید (ایران)

داستان هفتم از زبان دخت کسری، بازگو می شود. شاهزاده ای که در ابتدای داستان به زهره تشبیه شده است و با سرنوشت بهرام و گنبد سفید در پیوند است،

پنج نوبت زنان به تسلیمش

زهره بر برج پنج اقلیمش

بهرام پس از سیر در شش اقلیم و شش گنبد، وارد مرحله جدیدی از تکامل خود می شود. بهرام گور که سفر نمادین خویش را از سرزمین سیاهی آغاز کرده بود، اینک به اقلیم هفتم قدم می نهد. در شاهنامه، ایران از دیرباز سرزمین نور بوده است، از همین روی همواره مورد هجوم اهریمن بوده است. نظامی نیز به پیروی نمادهایی که در گنبد هفتم بیان شده است با سرزمین ایران سازگار کرده است. صاحب مؤیدالفضلا

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and

Research in Persian Culture, Language and Literature

و حموی، اقلیم ایران و اقلیم گنبد سید بر عدد هفت استوار است. عدد هفت در سرزمین های گوناگون با نمادهای باشد، اما نظامی ستاره زهره را به ایران نسبت داده است. نظامی ر نگ سفید را برای اقلیم هفتم برمی گزیند و آن را با روز جمعه هماهنگ می سازد. بدان روی که روز جمعه در فرهنگ ایرانی با قداست و پاکی همراه است. مبنای داستان گنبد سید بر عدد هفت استوار است. عدد هفت در سرزمین های گوناگون با نمادهای شناخته شده کمال پیوندی همه سویه دارد. هفت عدد عالم، عالم کبیر، کامل بودن، تمامیت، هفت؛ یعنی آرامش، عددی است که هم مادی است و هم معنوی .

۴- تحلیل گنبد سفید

متن گنبد سفید سازه هایی کاملاً قصه ای دارد . این سازه ها در قالب بن مایه های کلی همچون گزینش، سفر، کمبود، مراحل پیش از آگاهی و انتخاب قهرمانان بی نام به عنوان قهرمانان نوعی و گاهی قهرمانان سمبولیک و ... پرداخته شده است. قهرمان سه بار دست به گزینش می زند، انتخاب اول، جستن رخنه دیوار باغ برای ورود به آن است، انتخاب دوم، گزینش دختر نوازنده به نام بخت و انتخاب سوم حرکت با آگاهی به سوی هدف که وصال حقیقی دخترک است. دورنمایه داستان به طور نمادین، نمودهایی از اطوار انسان است که در دنیایی با معنای روانشناسی غرق شده است. . از نظر زمانی، قصه از عصر شروع می شود و تا سپیده دم ادامه می یابد. به نظر می رسد، تمام حوادث داستان در عرصه خواب قهرمان اتفاق می افتد؛ زیرا برخورد او با موانع، در شب اتفاق افتاده است؛ اما همزمان با هدایت او در پایان قصه ، سپیده دم فرا می رسد. از این لحاظ می توان، گمراهی و به بن بست رسیدن جوان در شب و هدایت شدن او در روز را بن مایه قصه ای به شمار آورد. قصه از زبان دانایی فهیم بیان می شود اما گاهی قهرمان حدیث نفس دارد. به بیانی دیگر، زاویه دید قصه گاهی خارجی و گاهی درونی و خودگویی قهرمان است که با الگوی نقل در نقل قصه ای شرقی پرداخت شده است، نیز، نقل قول های طولانی از زبان سایر قهرمانان در متن، آورده شده است که با محتوای اثر که در فضای تاریک و خواب و خیال قهرمان می گذرد، انطباق کامل دارد (یونگ، ۱۳۹۸) اسطوره

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and

Research in Persian Culture and Language Studies

بهبتر از عقل و خرد، ساختارهای فرهنگی و ادبی که می‌تواند بر اساس اصول اقتصادی است که به وی منسوب می‌دارند، توصیف می‌کند. از این رو، نظامی، در این تکامل انسانی، نمودگار کهن الگویی را در این قالب فراهم نموده است. این موضوع، اصل روانشناختی مستقلی است که ویژگی پدیدار شناختی اش این است که همواره در فرهنگ و اذهان بشر تکرار می‌شود و همواره یکسان است. عمده ترین تصاویر قابل بحث در این حوزه، تصاویر غنایی است که از لحاظ ظرافت معنایی بسیار ارزشمند و قابل تامل هستند. کاربرد اساطیری اعداد، کاربرد تشبیهات و صور خیال خاص، انعکاس رسوم آیینی و ارتباط آن با بافت های قصه ای و ... است. ظرایف معنایی به کار رفته در این منظومه به شدت از غنایی نظم پرداز و عاشقانه برخوردارند. اگر به سازه های قصه نگاهی بیافکنیم، عدم واقعیت در آن مشاهده می‌شود. این موضوع ناشی از اعمال شخصیت ها و کیفیت وقوع حوادث است که گر چه در برخی موارد، محتمل الوقوع است؛ اما در سایر قسمت ها بعید و غیرممکن به نظر می‌رسد. بنابراین مخاطب حق دارد، تصور کند که می‌بایست در زیر پوسته ظاهری آن،

معنای دیگری نهفته باشد. این قصه، تمثیلی رمزی و قابل تأویل است (پراپ، ۱۳۸۷)

ظرافت معنایی قصه چنین است که ظاهر قصه، دایره ای است که با سفر قهرمان از شهر به باغ و از باغ به شهر پایان می‌پذیرد. انتخاب این طرح با محور اصلی تناسب دارد. الگوی قصه؛ گزینش، سفر، روایت است. از جنبه روانشناسی متن، از آنجا که بحث فاصله گرفتن قهرمان از صفات بشری مطرح است، زمان مادی در متن ناپیدا شده است. در حوزه شخصیت پردازی از دید روانشناسی، دو نوع قهرمان دارد. قهرمان تیپیک، که شخصیت محوری از آن دسته است و قهرمانان سمبولیک، که پیرویان از آن دسته اند.

حضور و خویشکاری های آنان در مراحل هفت گانه قصه، سبب گسترش افکار تخیلی و روانشناسی شده است. شیوه روایی متن نیز، چرخان است و دایم از دانای کل به اول شخص و خودگویی و دیالوگ های پی در پی تغییر می‌یابد و این شکل روایی با تم رؤیایگونه متن انطباق کامل دارد و همگام با اصول روانشناسی مورد هدف در متن به منظور جلب توجه خواننده پیش می‌رود (معین، ۱۳۸۹)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian Culture, Language and Literature

گوستاو فریتاگ، دانشمند آلمانی قرن نوزدهم در مورد ادبیات، فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی، ساختار نمایش های پنج

پرده ای را هر می فرض می کند که از سه بخش اصلی یعنی عمل اوج گیرنده، نقطه اوج و عمل فرودین تشکیل می شود و هر یک از این سه بخش نیز از بخش های کوچک تری ساخته می شود که عبارتند از: مقدمه، لحظه شروع عمل اوج گیرنده، اوج گیری، عمل اوج گیرنده، نقطه اوج، فرود و فاجعه. خط سیر این داستان براساس الگوی ریخت شناسی پراپ نیز قابل بررسی است.

تأثیر روانی سریع ادبیات، به ویژه ادبیات داستانی بر مخاطب، موجب شده نگرش نمایش به این حوزه بیشتر شود. از این رو، بررسی این تأثیرات و رابطه ادبیات و نمایش سبب پویایی این حوزه می شود. روشن است که این دو مؤلفه، تأثیرهای متقابلی نیز بر یکدیگر دارند؛ به عبارتی، اگر نمایش تا حدودی رشد خود را مدیون ادبیات است، در مقابل، ادبیات نیز از برخی جنبه ها از قبیل ساختار روایی و داستانی متأثر از هنر نمایش می باشد. البته برای کشف ریشه این ارتباط و تأثیر متقابل، باید به گذشته رجوع کرد و آن را از جنبه های گوناگون بررسی کرد. داستان و درام پیوندی دیرینه با هم دارند و همواره در حال تبادل دستاوردهای خود بوده اند. ارتباط داستان با نمایش (درام) از مایه اصلی نمایش، متن و نوشته آغاز می شود و در حوزه های دیگر گسترش می یابد. در قرن اخیر با ورود سینما این پیوند به بیشترین درجه خود رسیده است. تماس با هر اثر ادبی تنها از طریق نوشتار انجام می گیرد و توجه به این موضوع برای جنبه نمایشی ادبیات حائز اهمیت است؛ زیرا مخاطب در تماس با اثر ادبی، از طریقی غیر از نوشتار، از حوزه ادبیات فراتر می رود؛ برای نمونه، وقتی شعری از روی نوشته خوانده می شود، خواننده در حوزه ادبیات است، اما اگر کسی شعری را با صدای بلند ادا کند، آنگاه به حوزه نمایش یا حداقل به نخستین منزل از وادی نمایش وارد شده است. وقتی شعر با حرکات و اشارات همراه می شود، مخاطب باز به نمایش نزدیک تر شده است (آیتی، ۱۳۹۴).

گوستا معتقد است: ادبیات الزاماً امری زبانی است؛ بدین معنی که ادبیات به وسیله نوع استفاده اش از زبان، از سایر هنرها متمایز می شود؛ زیرا استفاده از زبان یا واژه ها به وسیله نویسندگان را به طور تقریبی با کاربرد رنگ برای نقاش می توان قیاس کرد، در حالی که تفاوت بین داستان نویس و شاعر با درام نویس تنها در این است که شاعر یا نویسنده برای توصیف شخصیت، عمل، احساس، اندیشه، یا مکان و غیره، چیزی جز

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian Culture, Language and Literature

زبان در اختیار ندارد. این در حالی است که زبان فارسی در ادبیات و فرهنگ ایران دارای حرکات و جلوه های سمعی و

بصری را نیز به کار گیرد... و کار او را تا آنجا که همانند نویسنده غیر درام نویس از زبان برای توصیف بهره می گیرد، باید ادبیات محسوب کرد. با توجه به الگوی گوستاو فریتاگ داستان گنبد سفید هفت پیکر در واقع، درام، تقلید، نمایش و بازسازی رویدادهای جهان واقعی یا خیالی است. آنچه درام را از داستان جدا می کند، اجرا و نمایش است. بنابراین، توضیحات درام در مفهوم کلی در این داستان کنشی است تقلیدی که به اجرا درآمده است (میرصادقی، ۱۳۹۰)

گوستاو فریتاگ به سبب فعالیت در حوزه نمایش، با ارائه یک الگوی مناسب، پس از نظریه ارسطو درباره ساختارهای نمایش، باب جدیدی را برای تحلیل تراژدی به سوی علاقه مندان به این موضوع گشود او در فن شعر، تراژدی را به دو بخش تقسیم می کند که شامل پیچیدگی و عقده گشایی است. هرم یا مثلث فریتاگ از ساختار درام، پنج گام دارد شامل مقدمه و انگیزش، کنش صعودی، نقطه اوج، کنش نزولی، فاجعه یا گره گشایی که تمامی این مراحل در روند بررسی روانشناسی و تحلیل معنایی گنبد سفید مشاهده می شوند. در گنبد سفید رمزها و نمادها با توجه به خاستگاهی که از آن برمی آیند و در آن تفسیر می شوند، مفهومی متفاوت و مختلف می یابند. برای مثال، نمادهایی چون آب، دریا، رنگ ها، گنبد سفید، سفر، بهشت و... برداشت ها و مفهومی دیگرگونه دارند و در قصه نقد بر مبنایی اسطوره ای قرار دارد (یاوری، ۱۳۸۷)

۶- روانشناسی اقلیم گنبد سفید

رنگ ها در نظام سمبولیکی اسطوره، از نقش و اهمیت مفهومی بالایی برخوردارند. منظومه هفت گنبدان نظامی نیز که بر مبنای هفت رنگ شکل گرفته، دلیلی دیگر بر اهمیت فلسفه رنگ هاست. نظامی در هفت پیکر نگاه ویژه ای به رنگ ها دارد. او می خواهد میان رنگ ها و حقیقت زندگی انسان ها ارتباط زیبایی بیافریند و میان آن ها و اعمال انسان و حقیقت حیات او رابطه برقرار کند.

«رنگ سفید خاصیتی مثبت، تهییج کننده، نورانی، فضا دار، ولطیف دارد. این رنگ مظهر خلوص، عفت، پارسایی، عصمت، بی گناهی و حقیقت و مهمتر از همه، صبح و پایان جنگ است. رنگ سفید معرف سکوت

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and

۱۳۸۰: ۴۲)

Research in Persian Language and Literature» محرک نه است

«درهفت پیکر روز آدینه مربوط به گنبد سفید و منسوب به سیاره ی زهره است. با گذر از این گنبد که هفتمین دایره ی سرنوشت بهرام است، سفر بهرام به دنیای درون که با دیدار سایه و سیاهی آغاز شده بود، با آمیزش او با نور و سپیدی به پایان می رسد. بهرام درون خود را می شناسد و نیروهای قلمرو ناخود آگاه روان خود را به سود ضمیر خود آگاه آن در فرمان می گیرد و به کمال و تمامیت دست می یابد.» (یاوری، ۱۳۷۴: ۱۴۹)

بنابر این رنگ سفید، نماد پاکی و دوری از گناه است و نظامی با انتخاب این رنگ، نوعی حرکت از تاریکی به روشنی را نشان می دهد و در نهایت به رنگ سفید، که رنگ بی آلایشی و پاکی است، منجر می شود. «رنگ سفد در باور عبریان رمز شادی و طهارت است. در باور بومیان آمریکای مرکزی نشان صلح و سلامتی است. در باور مسیحیان نماد روح مطهر، شادی و پاکی و بکارت و زندگی مقدس است و در باور هندوان رمز شعور ناب، تنویر خود، حرکت به بالا، تجلی و اشراق است.» (کوپر، ۱۳۷۹: ۷۹) نظامی درباره ی دوری از رنگ های دنیوی و رسیدن به بی آلایشی و پاکی که گویای رنگ سفید است چنین می گوید :

برچنین رنگ های عاریه ساز چه نهی دل که داد باید باز
غایبانی که روی بسته شدند از چنین رنگ و بوی رسته شدند
(نظامی، ۱۳۹۶)

گنبد سفید به دلیل ساخته شدنش در روز جمعه و تناسب روز جمعه با ستاره زهره که در باور نجومیان، رنگی سفید دارد، سفید پوش است؛ سفیدی که هم بهرام شاه اساطیری را در ورود به این قصر، سفید می پوشاند و هم شاه قصه ی پری روی هندوزاد گنبد هفتم را. رنگ سفید در روا شناسی یونگ، نماد ناخود آگاه است و نظام اسطوره نیز از روان شناسی بیگانه نیست. بلکه یکی از شیوه های نقد اسطوره ای را می توان نقد روان شناسانه دانست. ناخود آگاه، دنیایی سرشار از ابهام و تصورات نامعلوم و ناشناخته هاست که تمام آرزوهای خواسته و ناخواسته انسان و ناکامی ها و سرخوردگی های او به آن جا پناه برده اند. رنگ سفید پر از رازهای ناشناخته است. در سفیدی همه چیز وجود دارد و سراسر پاکی و شادی دیده می شود. در دنیای

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian Language and Literature

اسطوره، رنگ سفید از اسطوره‌های ایران باستان و ادبیات کلاسیک در فرهنگ‌های اسطوره‌ای،

یکی از صورمثالی‌ای دانسته‌اند که نماد پاکی، نظم، شناخت ناشناخته‌ها، زندگی، دانش خوبی، ناخودآگاه نیکی و خیر دانسته‌اند. انتخاب رنگ سفید در این قصه با درونمایه اسطوره‌ای آن، تناسب و هماهنگی دارد؛ راز هستی، آنچه مهم و روشن است در رنگ سفید تجلی می‌یابد؛ یعنی نهایت پاکی و زلالی (دوپوودکور، ۱۳۹۴). رنگ سفید در داستان به معنای تمامیت و کمال و در روان‌شناسی رنگ نماد خلوص، پاکی و معصومیت است.

در داستان گنبد سفید جوانی عاقل و پاکیزه‌خوی که صاحب باغ و گلستانی زیباست، بعد از ظهر به رسم عادت هفتگی‌اش، به قصد تفریح به باغ می‌رود. از قضا در باغ بسته است و از حضور باغبان خبری نیست. پس از جستجوی زیاد، صدای آواز و سرود از باغ به گوشش می‌رسد، بنابراین حرص او برای رفتن به باغ دو چندان می‌شود، چند بار در می‌زند؛ چون بی نتیجه می‌ماند به جستجو در اطراف باغ می‌پردازد تا این که متوجه وجود رخنه‌ای در دیوار آن می‌شود و از این طریق به عرصه باغ راه می‌یابد. دو کنیزک که نگهبان باغ هستند، متوجه حضور جوان غریبه می‌شوند و پس از ضرب و شتم، وی را کتف بسته به غرفه‌های درون باغ می‌اندازند؛ به این ترتیب، قصه وارد مرحله جدید خود می‌شود. در این داستان شخصیت اصلی جنی است که هیچ نامی برای آن انتخاب نشده است و خواننده قصه را از لحاظ روانشناسی به چالشی وا می‌دارد که میان کلمات به دنبال ظرافتی معنایی باشد.

مبحث روانشناسی دیگر در ارتباط با بافت اسطوره‌ای و قصه‌ای گنبد سفید، آن است که خلق تصاویر و ایماژها و حتی شخصیت پردازی آن متأثر از فضای اسطوره‌ای آن، با آیین‌ها و رسوم دینی و مذهبی التقاط پیدا کرده است. انتخاب پوشش سفید برای بهرام و شاهزاده بانو و متناسب ساختن آن با روز جمعه و سرزمین ایران که متناسب با ستاره زهره است و هماهنگ کردن آن با عدد هفت که نشان کمال و آرامش است موجب توجه آگاهانه خواننده اثر می‌شود (شایگان، ۱۳۹۸).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

۷- نتیجه گیری

در هفت پیکر نظامی، بهرام به دنبال غیرممکنی می گردد که هیچ کس نمی داند. از این رو، ساخت باغ خورنق و هفت گنبد او را راضی نمی کند و هرگونه توصیه و اندرز راهنما بی فایده است. او تنها از راه دستیابی به سایه های تردید که به تدریج با هفت خواب که پیرامون او را می پوشاند، می تواند، به این آرمان دست یابد. رسیدن به باغ و ناپدید شدن او در سرانجام قصه ناشی از این امر است. وی با رفع نواقص ناخودآگاه، به این مرحله منحصر به فرد می رسد. نواقص ناخودآگاه او نیز، در خواب های او در هفت گنبد، ظهور می یابند

قصه گنبد سفید، آخرین دایره سرنوشت بهرام است؛ سفر او به دنیای درون که با دیدار سایه و سیاهی آغاز شده بود در هفتمین گنبد، با آمیزش او با نور و سفیدی به پایان می رسد. بهرام درون خود را می شناسد و قلمرو ناخودآگاه خود را به سود سوئی خودآگاهش در فرمان می گیرد تا به تمامیتی برسد که مرحله اول فرایند خودشناسی بر پایه آن استوار است. از دید روانشناسی قصه در خواننده تحولی روحی به وجود می آورد که در این تحول روحی، با تبدیل اعمال زیست شناختی به این تشریفات و آیین ها، تغییراتی در شرایط وجودی فرد پدید می آید که با گذراندن وی از مرز بشری به ابدیت همراه است. از این رو نظامی بزرگ رنگ حرکت معنایی انسان را سفید دانسته و با به کارگیری الفاظ موزون همراه با ظرافت معنایی در روح خواننده اثر نفوذ نموده است.

منابع:

- . آپولیوس، ۱۳۹۸، الاغ طلائی، ترجمه عبدالحسین شریفیان، تهران: نشر اساطیر.
- . آیتی، محمد، ۱۳۹۴، شرح خسرو شیرین نظامی، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی و امیرکبیر.
- . استروس، لوی و همکاران، ۱۳۹۸، جهان اسطوره شناسی، ترجمه جلال ستاری، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.

بری، مایکل)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and

Research in Persian Culture, Language and Literature، ۱۳۸۷، پراپ، ولادیمیر،

حسینی، مریم؛ شکیبی ممتاز، نسرین (۱۳۹۴) روانشناسی اسطوره و داستان، متن پژوهی ادبی، شماره ۶۴

. دوبوکور، مونیک، ۱۳۹۴، رمزهای زنده جان؛ چاپ دوم، تهران: مرکز.

. شایگان، داریوش، ۱۳۹۸، خاطره ذهنی و بتهای ازلی، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.

. شکیبی ممتاز، نسرین (۱۴۰۱). رمز گشایی کهن الگوی داستان های هفت پیکر نظامی با توجه به سیر بهرام بای رسیدن به

مادر مثالی، متن پژوهی ادبی، شماره ۹۱، ص ۳۱۵-۳۴۱

شوالیه، ژان؛ گریبان، الن (۱۹۶۹). فرهنگ نمادها، مترجم سودابه فضایی (۱۳۹۹) انتشارات سرای نیک

. معین، محمد، ۱۳۸۹، تحلیل هفت پیکر نظامی، ج ۱ و ۲، تهران: نشر دانشگاه تهران.

علی میررزایی، بهناز و همکاران () . رمز گشایی از نمادهای هفت اقلیم.

. میرصادقی، جمال و میمنت، ۱۳۹۰، واژه نامه هنرداستان نویسی، تهران: کتاب مهناز.

. نظامی گنجوی، الیاس بن محمود، ۱۳۹۶، هفت پیکر؛ به کوشش سعید حمیدیان، چاپ چهارم، تهران: قطره.

. یاوری، حورا، ۱۳۸۷، روانکاوی و ادبیات، تهران: نشر تاریخ جهان.

. یونگ، کارل گوستاو، ۱۳۹۸، انسان و سمبولهایش، ترجمه ابوطالب صارمی، تهران: امیرکبیر